

گفت وگو با هاشم حسرتی، نوازنده سرنا و دهل تربت جام به مناسبت انتشار آلبوم «تروش‌نای عاشقی جام»

«سرنا» ساز سرکشی که دارد فراموش می شود



مجید خاکپور
گفت‌وگوی روز
قدمت سرنا را می توان از لهجه اش حدس زد؛ سازی با ساختاری ساده و صدایی بسیار رسا که به راحتی مسافت های طولانی را طی می کند و یکی از کارکردهایش همین بوده که دور دست ها را هم با خبر کند. چه در هنگی نظامی در دوره هخامنشی و چه برای بیدارکردن روستایی به وقت سحر. در شاهنامه به این ساز اشاره شده است و سرنا از سازهای باستانی ایران محسوب می شود؛ سازی که در نقاط مختلف ایران، از جمله خراسان، استفاده می شود.

● در منطقه شما، تربت جام و به طور کلی در موسیقی نواحی، نمونه های زیادی هست که موسیقی نسل به نسل منتقل می شود. ماجرای رفتن شما به سراغ سرنا چطور بود؟

برای من هم رفتن سراغ سرنا ادامه یک سنت اجدادی بود. تا جایی که خبر دارم، دست کم چهار نسل پیش از من نوازنده بوده اند و این هنر، خون به خون منتقل شده است. پدرم نورمحمد، پدر بزرگم محمد. نوازندگی پدر بزرگم شرط ضمن عقد بود، یعنی خانواده عروس شرط می کردند نوازنده مجلس حتما استاد محمد باشد. پدر ایشان هم استاد نورمحمد و پدر او هم درویش علی نوازنده بود. فقط هم نوازنده نبودند، هم سلمانی قلعه بودند، هم ختنه می کردند و هم ساز می زدند.

من از خردسالی کار اریاد گرفتم. آن زمان پدر بزرگم و پدرم هر دو زنده بودند. پدرم سال ۱۳۸۵، در چهل و هفت چهل و هشت سالگی فوت کرد. این ها هر چه در توانشان بود به من یاد دادند. البته هر چه بلد هستم، گوش‌ی است و یانت آشنایی ندارم. با این حال، متأسفانه، این ساز دارد فراموش می شو.

● درباره آلبوم «تروش‌نای عاشقی جام» بگویید؛ چه شد که به فکر ضبط آن افتادید؟

من نوازنده کاملی نیستم و از من بهتر هم بسیاریند؛ این را بدون تعارف اعتراف می کنم. خیلی از استادان بزرگ سرنا به استودیو رفته و کار ضبط کرده اند. اما خبر ندارم اثری از آن ها به صورت رسمی منتشر شده باشد؛ دست کم در این دهه اخیر، چیزی به یادم نمی آید. من سعی کردم آلبومی از منطقه تربت جام ضبط و ثبت کنم. همیشه این فکر در سرم بود، با خودم می گفتم چطور می شود با وجود بهترین نوازنده ها در تربت جام، آلبومی برای سرنا وجود نداشته باشد یا بسیار کم باشد؟ ما بهترین نوازندگان را داشتیم؛ مثلاً زنده یاد استاد برات دلپیر که اوایل انقلاب فوت کردند، با استاد غلامعلی نی نواز و استاد رسول نظری (معروف به رسول نظر) که سبک متفاوتی داشت، با استاد محمد رحم دلخواه که خدا را شکر هنوز در میان ما هستند. این ها نوازندگانی هستند که خدا شاهد است. وقتی ساز می زنند، ما که کمی با پنجه شان آشناییم، اشکمان درمی آید. اما برخی از آن ها هیچ آلبوم ثبت شده ای ندارند. به همین دلیل به فکر افتادم کاری کنم و اثری رسمی ثبت شود. همان طور که گفتم، شاید از نظر نوازندگی چیزهایی کم داشته باشم، اما می خواستم دست کم نام سرنا زنده بماند. مهم نیست نوازنده اش کیست؛ اصل این است که بگویند سرنا و دهل تربت جام. انگیزه ام همین بود، نه نام هاشم حسرتی که امروز هست و فردا نیست. دلم می خواهد وقتی این قطعات را گوش می کنند، بگویند: ای... این حنایی است، ای... این چوب بازی است که مال فلان منطقه است. آنجا هاشم حسرتی مطرح نمی شود، آن مقام است که زنده می ماند.

● کی برای ضبط آلبوم اقدام کردید؟

ایده اش از اوایل سال ۱۴۰۰ به ذهنم رسید. بنده خدایی به من گفت حامی مالی شما می شوم. کارهای استودیو را انجام دادیم و ضبط صدا هم تمام شد؛ اما بعد از یکی دو سال پیام داد که فلان قدر به حسابم واریز کن تا آلبوم آماده شود. من هم گفتم دیگر نمی خواهم.

تا اینکه در جریان ضبط موسیقی متن سریال «پایتخت ۷»، با آقای آریا عظیمی نژاد آشنا شدیم. آن ها از کار ما خوششان آمد. موضوع را آنجا مطرح کردم و گفتند ببینیم چه می توانیم بکنیم. در نهایت سال ۱۴۰۲، خانم ها مرجان و مرگان خوش اندام این زحمت را کشیدند و حامی مالی کار شدند. این دو خواهر خودشان هم نوازنده اند. کار در مشهد ضبط شد و کارهای استودیویی را هم آقای رضا انسان انجام دادند. خدا خیرشان بدهد که کمک کردند. آن ها ما را با سایت «بیپ تونز» آشنا کردند تا اوایل اردیبهشت امسال، آلبوم منتشر شد.

● قطعات را بر چه ملاک و اساسی انتخاب کردید؟

گفتم بهتر است به سراغ اصالت های خودمان برویم، ما دوازده سیزده کار اصیل برای سرنا داریم که شاید قدمتی دو سه هزار ساله داشته باشند. «چوب بازی» ما به جنگ های ایرانیان علیه اعراب برمی گردد که نمایشی از حرکات شمشیر است و با چوب اجرا می شود. «حتن حنایی» هم که از نامش پیداست، آهنگ شب خانبندان است.

مقام دیگری که در این آلبوم گنجانده ام، «مقام ا... و ذکر سحر» است که در روزگار قدیم، نوازندگان در شب های ماه رمضان بالای مناره ها یا برج قلعه می نواختند. آن زمان که بلندگو نبود، نوازندگانی مانند اجداد ما با نواختن این مقام، مردم را بیدار می کردند تا بداندن وقت سحر است. «حتن باخیزی» مقامی با ریتم سنگین است که مختص بزرگان مجلس بوده، کسانی که می خواستند در پایان مجلس بلند شوند و «بازی» کنند، «حتن حسن آبادی» نیز مانند حتن باخیزی است و همان کارکرد را دارد، اما متعلق به منطقه تربت جام است.

«حتن اوشاری» رقص پهلوانی است و در آن، حرکاتی مانند نشست و برخاست و کمان گیری اجرا می شود. ریشه آن به دوره هخامنشی برمی گردد و مربوط به حرکاتی است که در پادگان ها انجام می شد. امروزه چون این «حتن» ریتم ساده تری دارد و همه می توانند با آن بازی کنند، نوازندگان از آن استفاده می کنند؛ اما آن سه حتن دیگر [حنایی، باخیزی و حسن آبادی] همین الان هم فراموش شده اند.

«پلّان» هم رقص است و هم قطعه ای حماسی که پیرمردان قدیم با آن «بازی» می کردند؛ شاید الان در کل منطقه ما پنج نفر هم نباشند که بتوانند آن را اجرا کنند. این ها بخشی از مقام هایی است که برای این آلبوم

در مقابل، مثلاً دوتار سازی است که پرده هایش

آشناست، آسیب کمتری دارد، و با خواننده و

سازهای دیگر هم راحت همراه می شود.



● بله؛ همراه کردن سرنا با سازهای دیگر هم کمی سخت است.

جالب تر این است که ساز ماکوک هم نیست، بین کوک است. سازی سرکش است. سازی نیست که با سازهای دیگر کنار بیاید. سازهای دیگر را می توانی با آن کوک و هم گام کنی، اما خود سرنا را نمی شود با سازهای دیگر دقیق همراه کرد، چون بین گام حرکت می کند. سرنا در میان سازها، انگار بز سرکش گله است.

این ساز فقط یک تکه چوب ۳۱ سانتی متری است با هفت سوراخ، و تمام. نت هایش هم کامل نیست؛ نه «دیز» دارد، نه «پمل». نه با دستگاه های موسیقی ایرانی کنار می آید، نه هیچی. سرنا آهنگ های خاص خودش را دارد. البته نسل ما کمی در این کار فضولی کرده و چند آهنگ روز را هم با آن می زنیم؛ حالا با خوب درمی آید یا نه. اما واقعیت این است که این ساز، ساز کاملی به آن معنای رایج نیست؛ سازی ساده است، شبیه توتک چوپان ها.

ساز ما بی کلام است؛ کسی نمی تواند با سرنای ما بخواند. پدر بزرگ اهل روستای محمودآباد تربت جام بود. این روستا تا روستای بعدی چهار کیلومتر فاصله داشت. خدا شاهد است از مردم همان روستا شنیدم که با لهجه خودمان می گفتند: «خدا بیامرز با بولت [با یابزرگت] محمودآباد ساز می زد، ما به افغان بازی می کردیم.» ببینید صدای این ساز چقدر بلند بوده که نه فقط چهار کیلومتر آن طرف تر شنیده می شده، که سرضرب را هم می گرفتند. از این ساز چه توقعی دارید؟

● عثمان محمدپرست می گفت چند پرده به دوتار اضافه کرده تا بتواند کنار شیرجیان یا سیماینا یا همراهی با موسیقی سنتی و دستکاهی هم بپنواز. نمی شود برای سرنا هم چنین کاری کرد که هم اصالت حفظ شود و هم ارتقا و تکامل پیدا کند برای همراهی با سازهای دیگر؟

نمی خواستم بگویم. اما دارم توی کار یک فضولی دیگر هم می کنم. یکی دو سال است دارد در سرم می پیچد و مانند خوره به جانم افتاده که کوک این ساز را درست کنم. با چند نفر از بزرگان موسیقی خودمان هم صحبت کردم. راهنمایی هایی کرده اند. وقتی از ما می پرسند چه گامی هستیم نمی دانیم در جوایشان چه بگوییم. بگوییم بین دو و سه؟ می شود همچین چیزی؟

سرنا ما باید حداقل تقسیم به سه بشود. امیدوارم بتوانم تا سال آینده سه گام از این ساز در بیاورم. شاید نسل آینده گفتند خدایا، مرزد هاشم حسرتی را که گام های این ساز را درست کرد. ما با نوازنده های لرستان رفیقیم. وقتی می آیند، با خودشان یک ساک پر از سرنا می آورند. می گویند این گام فلان است، آن یکی گام پهمان و این یکی.... اما ناچور است که ما محدود شده ایم به یک ساز واحد. درد سختی است که در کنار نوازنده دیگری باشی و حرفی برای گفتن نداشته باشی. یعنی نه که نوازنده بدی باشی، بلکه نتوانی همراه آن ها اجرا کنی. شاید هم چون پشتیبانی ای نبوده تا حالا کسی اقدامی نکرده. البته من هم پهلوی چربی ندارم، راننده تاکسی دور دور حرم هستم. اما در سرم هست که این کار را انجام بدهم. سرم پر است، اما دستم خالی است. امیدوارم تا سال آینده این کار را برای موسیقی تربت جام انجام دهم.

اما اصالت ساز باید حفظ شود. اگر مردم با موسیقی خود ما مهربان تر باشند، وضع فرق می کند. این موسیقی مال همین منطقه است. ساز ما را به همین لهجه می شناسند و شیرینی اش هم به همین است. اگر قرار باشد طوری تغییرش بدهم که جهانی باشد چه فایده ای دارد. اگر قرار باشد لهجه اش کتانی شود، خب، دیگر نیازی به آن نیست، چون بهترش دارد از آن طرف می آید. ما را برای «سرا کنار پرن» می خواهند، ما را برای «شاه صنم» می خواهند، برای هزار یک چیز دیگر می خواهند که مال خراسان است. در واقع باید به صورت کلی روی فرهنگ کار شود. گام هم باید درست شود که من هم کنار خواننده ای که مردم و جوان ها دوست دارند بپنواز. وقتی این اتفاق بیفتد این ساز هم معرفی می شود و دوستش خواهند داشت.

● آمدن به مشهد تأثیرش در کار شما چه بود؟ کجا تمرین می کنید؟

منفی بوده. معمولاً دم غروب که مردم همه بیدارند کمی تمرین می کنم. همین که اذان را می گویند و هوا تاریک می شود، جمع می کنم که همسایه ها ذیت نشوند. تا زمانی که در تربت جام می نشستیم، چون این موسیقی را بیشتر دوست داشتند، همین که در خانه خودمان تمرین می کردم، همسایه ها می آمدند می نشستند و طلب می کردند که بپنوازیم.

اما در مشهد چون از همه جاداران هستند، و این موسیقی هم مختص یک منطقه است، نمی شود. نمی طلبند. آنجا [تربت] آشنایی مردم با این ساز و مقام ها و خواستشان باعث می شد تشویق شوم. اینجا نه. تشویقی در کار نیست. هر چند همسایه ای اعتراضی هم نداشته است. سبک زندگی تغییر کرده که ما هم فراموش شده ایم.

انتخاب کردم. به هر حال، موسیقی ما موسیقی ارزشمندی است؛ شاید به دل ما می نشیند، اما به هر روی موسیقی پدی نیست.

● این آلبوم یازده قطعه دارد. فکر می کنید چند قطعه دیگری می شود از سرنای پنجه هراتی تربت جام ضبط کرد؟

حداقل یازده قطعه دیگر مخصوص سرنا باقی مانده است. اما به اندازه ۱۰ آلبوم دیگر می شود آهنگ های محلی ضبط کرد. اگر حامی مالی پیدا شود.

● چطور می دانید این مقام ها مثلاً مربوط به دوره هخامنشی است یا برگرفته از جنگ ایرانیان علیه اعراب؟

سینه به سینه به ما رسیده، راه انتقالش همین بوده است. حالا اینکه بتوانیم آن را درست و کامل به نسل بعدی منتقل کنیم، بحث دیگری است. مثلاً من هر چه به پسرم می گویم بیا این ساز را دست بگیر زیر بار نمی روم. می گوید: «ولش کن؛ کار سختی است که نه رونق دارد، نه مخاطب.» چه بگویم؟ البته ما در جشنواره های دولتی زیاد شرکت می کنیم، اما بین مردم و در اینکه مثلاً مجلس برویم و اجرا داشته باشیم، خیلی کم شده است

● اشاره کردید که این ساز دارد فراموش می شود؛ چرا؟

اول بگویم ساز ما «پنجه جامی» است و به آن «ساز پرده هراتی» هم می گویند، همین نام نشان می دهد قدمت دارد، یعنی مربوط به زمانی است که هرات جزو ایران بوده. الان نوازنده های پنجه جامی سرنا در خود خراسان به بیست نفر هم نمی رسند؛ از نوآموز تا نوازنده ای که لب مرگ است. تعدادمان انگشت شمار شده. با این وضع، تا ۱۰ سال دیگر این ساز کاملاً فراموش می شود و می رود رد کارش؛ و این برای جامعه موسیقی خراسان درد است. خودم هم از این بابت عذاب می کشم.

کم شدن نوازنده ها چند دلیل دارد. یکی اینکه سرنا واقعا می تواند درد و مرض و آسیب جسمی بیاورد. چون ساز بادی است و «ساز زور» است؛ به قول ما ساز پُرزوری است. می تواند باعث آسیب چشم، گلو و دندان شود. فقط هم بین نوازندگان سرنا زیاد است.

در مقابل، مثلاً دوتار سازی است که پرده هایش

آشناست، آسیب کمتری دارد، و با خواننده و

سازهای دیگر هم راحت همراه می شود.

شهریار

۳شنبه
۱۲ خرداد ۱۴۰۵
شماره ۲۲۲۲

۱۱

↓

SHAHRAHNEWS.IR

تماشاخانه

اثر فرهاد آئیش روی صحنه تئاتر مشهد



تئاتر «گزارشی به آکادمی» به کارگردانی مانده پهلما سببی و تهیه کنندگی آرمین رحیمی نژاد، از سه شنبه ۱۹ خرداد ماه، ساعت ۲۰ در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد روی صحنه می رود. گزارشی به آکادمی» مونولوگی ۵۷ دقیقه ای با بازی فرهاد آئیش است که با اقتباس از داستان کوتاهی از فرانتس کافکا نوشته شده است. این نمایش از زبان موجودی روایت می شود که پیش تر میمون بوده و به نوعی بازتاب نگاه فلسفی کافکا به زندگی و جهان است؛ نگاهی در ظاهر تلخ، اما در نهایت شفاف. در خلاصه داستان «گزارشی به آکادمی» آمده است: میمونی در سواحل آفریقا برای باغ وحش ها و مراکز جانورشناسی گرفته شده و به اروپا برده می شود. در مسیر بازگشت به دلیل فشار بیش از حد در قفس، در نهایت زبانش باز می شود....

چارسوق هنر

اما و اگرهای تغییر جنسیت «آقای قاضی»



هم زمان با پخش سریال جدید سجاد مهرگان با نام «کلینیک رؤیا» با محوریت فرزندآوری، انتشار سکانسی از دادگاه با حضور قاضی زن، گمانه زنی هایی را درباره احتمال تغییر بهزاد خلج، بازیگر اصلی سریال «آقای قاضی» مطرح کرده است.

محمد حجت احمدی زر، سرپرست تولیدات نمایشی مرکز سیمِغ، درباره آخرین وضعیت سریال «آقای قاضی» و گمانه زنی های مطرح شده درباره تغییر بهزاد خلج گفت: سریال «آقای قاضی» در مرحله پیش تولید است. فیلم نامه ها نهایی شده و وارد مرحله انتخاب بازیگر شده ایم. احتمال تغییر آقای خلج وجود دارد. اما همچنان باید منتظر ماند تا دید او امکان حضور دارد یا خیر. در روز های آینده حضور یا حضور نیافتن ایشان قطعی می شود و می توان با قطعیت درباره آقای خلج سخن گفت. وی در پاسخ به این سؤال که در صورت تغییر کردن قاضی، جنسیت قاضی نیز تغییر می کند؟ بیان کرد: این گزینه هم در دست بررسی است. هرچند احتمال آن ضعیف است، اما در حال بررسی هستیم. در صورت قطعی شدن تغییر جنسیت قاضی، آن وقت تصمیم خواهیم گرفت که آیا از بازیگر معروف یا بازیگر تئاتری کمتر شناخته شده استفاده کنیم.

نماهنگ «خیانت» با صدای «پرواز همای» منتشر شد



«خیانت» در حوزه هنری انقلاب اسلامی تولید شده است.

زمان اکران فیلم سینمایی «سقف» مشخص شد



سعید خانی، تهیه کننده فیلم سینمایی «سقف»، از احتمال اکران این فیلم پس از پایان ایام عزاداری ماه محرم خبر داد. وی با اشاره به شرایط فعلی اکران در سینما ها گفت: با توجه به نزدیک شدن ماه محرم و همچنین برگزاری رقابت های جام جهانی در ادامه، زمان کنونی برای اکران آثار سینمایی چندان مناسب نیست. فیلم «سقف» از جمله آثاری است که زمان نمایش عمومی آن در انتظار تعیین شرایط مناسب اکران قرار دارد.

۱۰۰ هزار مخاطب به تماشای «تاکسیدرمی» نشستند



کمدی «تاکسیدرمی» به کارگردانی محمد پایدار «امیلیارد تومان فروش داشته است. به گزارش خبرگزاری مهر، هم زمان با استقبال ۱۰۰هزار نفری از فیلم سینمایی «تاکسیدرمی» به کارگردانی محمد پایدار، از جدیدترین تیزر این اثر که ساخت آن برعهده امین ملک زاده بوده است، رونمایی شد. مجید صالحی، حسن معجونی و هادی کاظمی سه شخصیت محوری این کمدی هستند و بیژن بنفشه خواه، جواد خواجهی، علیرضا مسعودی و آناهیتا درگاهی سایر چهره های این اثر پربازیکر هستند.

«ادویه» با موضوع جنگ ۴۰ روزه آماده نمایش شد



فیلم کوتاه «ادویه» به کارگردانی ابوالفضل قیصری آماده نمایش و حضور در جشنواره های داخلی و بین المللی شد. «ادویه» با موضوع جنگ چهل روزه، روایتگر زندگی پیرمردی تاجر در دل بحران است؛ جایی که نبرد میان صلح درونی و جنگ بیرونی جریان دارد. در این اثر، محمود جعفری ایفای نقشی متفاوت را بر عهده دارد.

دزدی عاشقانه تا پایان خرداد ادامه دارد



سریال «دزدی عاشقانه» به کارگردانی مهدی حسینی در حال فیلم برداری است و تا پایان خرداد این کار ادامه خواهد داشت. به گزارش خبرگزاری ایرنا، «دزدی عاشقانه» عنوان یک مجموعه جدید نمایش خانگی است که در یازده قسمت در دست تولید قرار دارد. سام درخشانی، نادر سلیمانی و آناهیتا درگاهی، بیژن بنفشه خواه، مجید صالحی، نعیمه نظام دوست، نیوشا ضیغمی و به آفرید غفاریان از بازیگران «دزدی عاشقانه» هستند.